

موضوع: برکات پیاه‌روی اربعین

عناوین:

- ۱- برکات نماز در زندگی
- ۲- وحدت و همدلی، در پیاه‌روی اربعین
- ۳- پذیرایی از زائران، با عشق و محبت
- ۴- مقایسه عاقبت کار حسینیان و یزیدیان
- ۵- ادای حق قرآن و جهاد، در ماجرای کربلا
- ۶- کربلا، درس عشق و جانبازی در راه خدا
- ۷- کربلا، درس مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین بعدد ما أحاط به علمه، الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی

چون در آستانه‌ی اربعین هستیم، عده‌ی زیادی الحمد لله توجیه هستند اما بعضی‌ها سؤال دارند، یکی می‌گوید: چرا این همه وقت پیاده روی کنیم؟ ماشین هست، با ماشین می‌رویم. یکی می‌گوید: به جای این کار، این کار را نکنیم. هرکسی یک چیزی می‌گوید، بنابراین من می‌خواهم آنچه از قرآن بلد هستم را برای شما بگویم.

ببینید، چه مثلی بزنم. عبای خودم، شما لباس که می‌شوید، ظاهرش این است که لباس می‌شوید. هرکس هم نگاه کند می‌گوید: ایشان دارد لباس می‌شوید. اما در این چیزهایی است. ۱- عرق بدن هم درمی‌آید. یعنی کار حمام و سونا را می‌کند. ۲- غذای ما هم هضم می‌شود وقتی می‌شویم. ۳- ایام فراغت هم پر می‌شود. یک نوع ورزش است. لباس که تمیز شد، لباس تمیز نشاط می‌آورد. دیگران هم لباس تمیز ببینند، نشاط پیدا می‌کنند. اینها یک چیز است ولی درونش چیزهایی است. من یکوقت حساب کردم یک نوزاد که به دنیا می‌آید بیست تا مشکلات پدر و مادر را حل می‌کند. مادر هم بیست تا از مشکلات نوزاد را حل می‌کند. ولی ظاهرش این است که مادر شیر می‌دهد و بچه را تمیز می‌کند. دو تا پیداست، نماز که می‌خوانی حکمت خداست که در هر چیزی اینقدر چیزها در هم ادغام شده است.

۱- برکات نماز در زندگی

نمازی که می‌خوانیم ۱- تشکر از خدا هست. استقلال درونش است. ما رو به قبله می‌ایستیم. چرا؟ برای اینکه یهودی‌ها این طرف می‌ایستند و مسیحی‌ها این طرف، ما این طرف و آن طرف بایستیم جز حزب این و آن می‌شویم. یا این طرف و یا آن طرف، این طرف امتیازاتی دارد. معاد در نماز هست. «مالک يوم الدين» حضور در صحنه در نماز هست، «قد قامت الصلاة» همه حاضر می‌شوند. یک رنگ بودن در نماز هست. در نماز نداریم صف جلو برای بنز، صف دوم برای تویوتا، تا برسیم به موتور گازی. نه همه با هم بحول الله و سمع الله می‌گویند و هیچ امتیازی نیست.

فریاد در نماز هست، اذان، مسواک در نماز هست. وقت وضو مسواک بزنی یک رکعت تو ثواب هفتاد رکعت دارد. زیبایی در نماز هست، می‌گویند: زن هرچه طلا دارد به خودش آویزان کند. مردی که طلا برایش حرام است، بهترین لباس و عطر را بزند. شانه هست، اگر کسی وقت نماز سر و صورتش را شانه کند، یک رکعتش سی رکعت حساب می‌شود. ازدواج در نماز هست، اگر کسی ازدواج کند و نماز بخواند، یک رکعتش هفتاد رکعت حساب می‌شود. حق حیوان‌ها در نماز هست. اگر سگی تشنه هست و شما آب داری وضو بگیری، سگ تشنه بماند حق وضو گرفتن نداری، باید آب را بدهی سگ بخورد و تیمم کنی و نماز بخوانی. استقلال و خودکفایی در نماز هست. شما اگر سر نماز به چیزی تکیه بدهی نماز باطل است. باید روی پای خود باشی مگر اینکه مریض باشی.

وحدت در نماز هست. انتخابات در نماز هست. این آقا را قبول نداری، نماز نخوان. برو مسجدی که آقایش را قبول داشته باشی. انتخاب کن! ادب در نماز هست. تا آقا حرف می‌زند شما حرف نزن. اطاعت در نماز هست. قبل از آقا خم نشو. یعنی آدم فکر می‌کند نماز است. من بالای ۱۳۰ نکته دیدم همه در نماز هست ولی پیدا نیست.

۲- وحدت و همدلی، در پیاده‌روی اربعین

این اربعین هم همینطور است. زیارت کربلا هم همینطور است. من محفوظاتم را نوشتم، چند موردی، البته دقت زیاد نکردم. چه آیاتی در اربعین کشف می‌شود؟ ۱- یک آیه در قرآن داریم می‌گوید: «بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ» (آل عمران/۱۹۵) آیات یک کلمه‌ای را حفظ کنید. «بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ» آیه قرآن است. یعنی من از شما و شما از من هستی. واقعاً این سیمای «بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ» را آدم در پیاده روی کربلا می‌بیند. اصلاً نمی‌گوید: این لر است آمده، کرد است، تبریزی است، شیرازی است. هیچ گزینش درونش نیست. خدمت خیلی خدمت می‌کنند ولی خدمت‌هایی که می‌کنیم پول می‌گیریم، ساعت کار و اضافه کار داریم. خدمتی که در کربلا می‌کنند هیچ گزینشی نیست. شما چه کسی هستی؟ سنت چقدر است؟ لهجه‌ات چیست؟ «بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ» من از تو هستم و تو از من هستی. تجلی این آیه اینجاست.

۲- یک آیه در قرآن داریم می‌گوید: «يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ» (حشر/۹) قرآن می‌گوید: مردم مدینه، مهاجرینی که از مکه هجرت کردند و به مدینه آمدند، مردم مدینه اینها را تحویل گرفتند. «يُحِبُّونَ» دوست دارند، «مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ» آن کسی که هجرت کرده و شهر اینها آمده دوستشان دارد. این در زیارت اربعین، پیاده‌روی هست. این آیه مجسم است. گاهی آدم یک چیزهایی را در قرآن می‌خواند، وقتی می‌خواهد نمونه عملی‌اش را ببیند، دنبال یک نمایشگاه می‌گردد، که آنچه از تئوری دیده، کلاسی‌اش را هم ببیند. از قدیم گفتند: شنیدن کی بود مانند دیدن! آدم نگاه می‌کند اینها چه کسی هستند، چه هستند. «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ» (حشر/۹) خانه‌شان را تحویل می‌دهند. قرآن درباره‌ی اصحاب پیغمبر گفته است ولی آدم بعد از هزار و چهارصد سال می‌رود و می‌بیند. یک آیه در قرآن داریم «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» (شرح/۴) به پیغمبر می‌گوید: من نام تو را بلند می‌کنم. آدم می‌بیند عجب، بعد از ۱۴۰۰ سال تازه امام حسین مطرح می‌شود. چه دستی در کار است و قصه چیست؟ پول این کار را می‌کند، تبلیغات این کار را می‌کند، یا مردم خودجوش این کار را می‌کنند؟

یکوقت مقام معظم رهبری فرمود: آتش به اختیار، من دیدم این آتش به اختیار آیه قرآن هست. قرآن در مورد زیتون می‌گوید: این زیتون به قدری شفاف و صاف است، دُرده و ... ندارد. این کبریت زده آتش می‌گیرد. «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ» (نور/۳۵) [شک کردم یکاد است یا تکاد است.] می‌گوید: این زیتون به قدری صاف است که ما در فارسی می‌گوییم: مثل هلو می‌ماند. یعنی گاز نگرفته آب می‌شود. خودجوش این کار را می‌کند، رودروایی نیست.

۳- پذیرایی از زائران، با عشق و محبت

ما که سور می‌دهیم، می‌گوییم: رفتیم خوردیم پس می‌دهیم. چون خوردیم پس می‌دهیم. در اربعین اینطور نیست که چون خوردیم، پس می‌دهیم. ما آمدیم ایران شما پذیرایی کردید و حالا هم شما می‌آیید، ما پذیرایی می‌کنیم. معامله نیست، عشق

است! قرآن می‌فرماید: «تَوْتَى أَكْلَهَا كُلِّ حِينٍ» (ابراهیم/۲۵) «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم/۲۴) می‌گوید: بعضی چیزها برکت دارد. آنوقت مثال می‌زند، می‌گوید: برکت مثل درختی که ریشه‌اش در زمین است، ولی شاخه‌هایش در آسمان است. دائماً میوه می‌دهد. «تَوْتَى أَكْلَهَا كُلِّ حِينٍ»، «کل حین» یعنی همیشه و چهار فصل است. میوه‌هایش یک فصلی نیست. این مسأله کربلا هر شب جمعه هست. خدا خواسته اینطور باشد. مثلاً به ما گفتند: نوزاد که به دنیا می‌آید، لبش را به خاک کربلا بمالید. آخر عمرش هم که از دنیا رفت، در قبر گذاشتید، یک خاک کربلا زیر سرش بگذارید. یعنی چه؟ این کربلا باید مطرح باشد. از تولد تا فوت! الآن هم دواى مملکت ما، دواى دنیا کربلاست. من این را در بحث‌های دیگر هم گفتم. اجازه بدهید این جمله را تکرار کنم.

الآن کاری که آمریکا می‌تواند بکند یا محاصره‌ی تبلیغاتی است، یا محاصره‌ی نظامی است یا محاصره‌ی اقتصادی است. کربلا این نسخه را در هم پیچید، محاصره‌ی اقتصادی، آب هم نداشتند، از آب بیشترین نیاز انسان به آب است. می‌گویند: هفتاد درصد بدن ما از آب است. آب نبود حتی برای علی اصغر، این محاصره‌ی اقتصادی است ولی زیر بار نرفت. این محاصره‌ی اقتصادی، محاصره‌ی نظامی، یزیدی‌ها سی هزار تا بودند، امام حسینی‌ها ۷۲ نفر بودند. ۷۲ نفر بین سی هزار تا، این محاصره نظامی است ولی زیر بار نرفت. محاصره‌ی تبلیغاتی، تمام بوق‌ها راه افتاد که حکومت حق حکومت یزید است، امام حسین خروج کرده است. خارجی است نه یعنی از فرانسه آمده، یعنی بر حکومت حق خروج کرده و چموشی کرده است. تمام از بین رفت، یک آیه در قرآن داریم، می‌فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا» بعضی از این کلمات عربی است، ولی شما می‌فهمید. ساده است. فارس‌ها هم بلد هستند. «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا» ما پیغمبران را یاری می‌دهیم، انبیاء را کمک می‌کنیم. فقط پیغمبران نه، می‌گوید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا» مؤمنین هم کمک می‌کنیم، آخرت نه، «فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (غافر، ۵۱) ما انبیاء و مؤمنین را در همین دنیا کمک می‌کنیم. بالاخره امام خمینی موفق شد یا نشد؟ در همین دنیا، موسی موفق شد در مقابل فرعون یا نشد؟ ابراهیم در مقابل نمروذ موفق شد یا نشد؟ امام کاظم در مقابل هارون الرشید موفق شد یا نشد؟ بله جانشان را دادند، اما فکرشان، مکتبشان، هدفشان، کلماتشان ماندنی شد. مراد از حیات آم به آرزوهایش برسد. نه اینکه چند لیتر آب اضافه بخورد و چند کیلو غذای اضافه، ما طرفداران خود را یاری می‌کنیم. مؤمنین را هم یاری می‌کنیم، «فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» این وعده خداست.

۴- مقایسه عاقبت کار حسینیان و یزیدیان

قرآن برای آینده هم گفته: وحشت نکنید. «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف/۱۲۸) آیه‌ی دیگر می‌گوید: «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه/۱۳۲) ما پرهیزگاران را کمک می‌کنیم. حکومت آخرالزمان هم با آمدن حضرت مهدی (ع) با مؤمنین خواهد بود. موجی هست شهادتی هست، شکنجه و تبعید هست. به قول دعای ندبه، «فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ» چقدر کشتند «وَسُبِّىَ مَنْ سُبِّىَ، وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ» تبعید کردند، کشتند و شکنجه کردند. همه اینها درست. اما بالاخره کدام فکر حاکم شد و کدام فکر محو شد؟ من یک روز رفتم زمان طاغوت سوریه، گفتم: می‌خواهم قبر معاویه را ببینم. قبرش در یک خانه‌ای بود، متروکه و مخروبه، در عین حال چون من می‌خواستم ببینم، خانه را پیدا کردم. رفتم در خانه را زدیم و گفتیم: ما می‌خواهیم قبر معاویه را ببینیم. رفتیم دیدیم یک اتاق شاید ۲۴ متر است. بین ۲۰، ۳۰ متر بود. یک قبر خاکی، آجر هم نبود. یک گربه هم آنجا نبود. آنوقت شما

نجف را می بینید، این آیه جلوه می کند. این بود که شد، خدا که می گوید: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»، «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» انسان ها گاهی با خدا کشتی می گیرند.

شما در بازی های فوتبال و والیبال، خیلی وقت ها ممکن است در تلویزیون ببینید، ولی می خواهی بروی در میدان از نزدیک با چشمت ببینی، نه با تلویزیون، خیلی آیات را آدم می خواهد با چشمش ببیند، ببیند شد یا نشد. با دست خالی می شود قیام کرد یا نه؟ بله ممکن است یک مشکلاتی هم داشته باشد. از قرآن بخوانم، قرآن می گوید: «وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ» (انبیاء/۷۰) یعنی هر چه نقشه کشیدند و تاب دادند من تاب را وا تاییدم. آنها هی تاییدند و من وا تاییدم. بیایید ببینید کشتی خدا با غیر خدا، آتش درست کردند که ابراهیم را در آتش با منجنیق و جرثقیل پرت کنند بسوزد. دور این آتش هم جمع شدند، تا تماشا کنند ابراهیم سوخت! جزغاله شدن ابراهیم را ببینند. «وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا» نقشه کشیدند، یک مرتبه آتش گلستان شد. «یا نارُ کُونِی بَرْدًا وَ سَلَامًا» (انبیاء/۶۹) به آتش گفتیم: اثرت را از دست بده.

در قرآن یک آیه داریم می گوید: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر/۹) افرادی هستند که دیگران را بر خودشان ترجیح می دهند با اینکه خودشان هم نیاز دارند. این آیه قرآن است. کجا ببینیم که دیگران را بر خود ترجیح می دهند ولو خودشان به شدت محتاج هستند. وقتی آدم کربلا می رود و می بیند ابالفضل آب را آورد بخورد، گفت: تو آب می خوری و امام حسین تشنه است، بچه ها تشنه هستند، نخور. اول آنها بعد تو! این «يُؤْثِرُونَ» که آدم در قرآن می خواند با چشمش می بیند. مسأله اربعین، گردشگری نیست. این کلمه ها سبک است. مثل اینکه بگوییم: ابالفضل، بد نیست. آدم مؤدبی است. آدم خوبی است. آدم خوبی است برای ابالفضل کوچک است. ما لفظی نداریم به اینها لقب بدهیم. قرآن می گوید: با اینکه به شدت نیاز دارند، دیگران را ترجیح می دهند. آدم نمی داند این یعنی چه. مادر ایثار می کند، مادر از خواب و خوراکش می گذرد.

۵- ادای حق قرآن و جهاد، در ماجرای کربلا

قرآن یک آیه دارد می گوید: «حَقَّ تِلَاوَتُهُ» (بقره/۱۲۱) کتاب آسمانی را آنطور که حقش است تلاوت کردند. این حق تلاوت یعنی چه؟ من می بینیم سر امام حسین روی نی قرآن خواند. عه... چه پیامی دارد؟ پیامش این است که من سرم از تنم جدا شد اما سرم از قرآن جدا نشد. این پیامش است. ما شنیده بودیم حق الناس را باید حفظ کرد، آدم می رود کربلا می بیند عجب، امام حسین قبل از شهادتش زمین های کربلا را خرید. گفت: نمی خواهم خون من روی زمین مردم ریخته شود. حق الناس، یکی دیگر...

شب عاشورا امام حسین به یارانش گفت، به ۷۲ نفر گفت: هر کدام به مردم بدهکار هستید، بروید بدهی خود را بدهید. من راضی نیستم کسی بیاید اینجا شهید شود ولی مدیون مردم باشد. اگر به مردم بدهکار هستید، بدهی مردم را بدهید. این خیلی مهم است. حق الناس تا اینجا... «حق جهاده» در قرآن چند حق داریم. «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج/۷۸) حق جهاد چیست؟ آدم این را در قرآن می خواند. حق جهاد این است که انسان آخرین فشنگ خود را مصرف کند، اگر یک فشنگ دارد شکست خورد، پیدا است نه باز هم می توانست از یک فشنگ باید استفاده می کرد. آخرین فشنگ، آخرین نفس، آخرین نفر. اگر این سه تا آخرین بود، می گویند: این فرمانده خیلی قشنگ کار کرده است. اما اگر هنوز نفر دارد، نفس دارد، فشنگ دارد،

شکست خورد، پیداست نه باز هم می‌توانست. این آدم می‌خواند «حَقَّ جِهَادِهِ» آخرین نفس، آخرین نفر، آخرین فشنگ، کربلا که می‌رویم می‌بینیم عه همه اینها شد. آخرین نفر علی اصغر، بچه شیرخواره هم دارد. آخرین نفس در گودی قتلگاه امام حسین افتاد، بعد دید یزیدی‌ها رفتند رو به خیمه‌ها، دیگر نمی‌تواند بلند شود. همینطور افتاده بود. از اسب افتاد و دقیقه‌های آخر عمر است. با همان رمق نسبت به ناموس خودش غیرت نشان داد و گفت: شما کارتان با من است. چه کار به ناموس من دارید؟ دین ندارید مرد باشید. شما طرفتان من هستم، چه کار به خانواده من دارید؟ یعنی از ناموسش، از حجابش، از دفاع از مظلوم، این خیلی مهم است. آخرین نفس گودی قتلگاه، آخرین نفر علی اصغر.

آخرین فشنگ؛ یکی از یاران امام حسین که شهید شد، برای اینکه مادرش را بسوزانند، سر جوانش را برای مادر انداختند و گفتند: این پسرت است. به یاری امام حسین رفت، حالا بگیر! سر پسرش را بردند و جلوی مادر انداختند. مادر گفت: ما چیزی که در راه خدا دادیم پس نمی‌گیریم. از همین سر به عنوان قلوه سنگ استفاده کرد و سر را به سمت دشمن پرت کرد. این با سر بریده، آخرین فشنگ، آخرین نفر و آخرین نفس، اینها را آدم در قرآن می‌بیند و بعد می‌گوید: مگر می‌شود؟ اینها یک چیزهایی است که این تاریخ‌ها باید زنده بماند.

یک معلمی بود، کردستانی بود. سر کلاس یک بچه موهای سرش ریخته بود، ایشان یک روز سر کلاس آمد تمام سر و صورت و موهایش را از ته تراشیده بود که این بچه که موهای سرش ریخته، باقی بچه‌ها نگاهش می‌کنند خجالت نکشد، بگوید: من هم که معلم هستم... دیدید تلویزیون نشان داد. ندیدید؟ این مسأله مهمی است. یا همین کاری که این معلم کرمانی کرد. دیده بود بچه مریض است با حقوق کمش از خودش و بستگانش پول جمع می‌کرد و هی تهران - کرمان می‌آورد تا یک روز بلیط ماه عسل گرفته بودند مشهد بروند، زنگ زدند بچه حالش چنین و چنان است، از بلیط ماه عسلش گذشت، رفت تهران برای این شاگرد. جمهوری اسلامی با این آدم‌ها جامعه ساخته می‌شود وگرنه خوردن و خوابیدن و زندگی مرفه مهم نیست. افرادی که زندگی‌شان در رفاه هست ولی بی‌خیال هستند. قرآن تعبیراتی را دارد. عالم است، دانشمند است ولی بی‌خاصیت است. قرآن به دانشمندان بی‌خاصیت می‌گوید: مثل الاغی است که کتاب بار کند. «كَمْثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَصْفَارًا» الاغی که کتاب بار کند، کتاب بار کرده اما چیزی در الاغ اثر نمی‌کند. یا افرادی را مثلاً می‌گوید «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ» (اعراف/ ۱۷۹) این گاو است. چرا خدا به بعضی از افراد می‌گوید: گاو؟ می‌گوید: نه، از گاو بدتر است. «بَلْ هُمْ أَضَلُّ» عربی‌هایی که می‌خوانم قرآن است. از گاو بدتر است. چون گاو علف می‌گیرد، شیر می‌دهد. این هیچ خاصیتی برای جامعه ندارد. «بَلْ هُمْ أَضَلُّ» می‌گوییم: «أَضَلُّ» چرا؟ بدتر از چهارپا؟ می‌گوید: بله، «أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» غافل است. نسبت به خدا غافل است. کاری به نماز ندارد. نسبت به شهداء، بی‌خیال است. نسبت به فقرا بی‌خیال است. سیل آمد، زلزله آمد، شما وضع کرمانشاه را دیدید، گرگان را دیدید، خوزستان و ایلام را دیدید، خرم‌آباد را دیدید، یک افرادی هر شب پای تلویزیون نشستند و فقط گفتند: عه، یک افرادی ندارند حسابش جداست. افرادی که دارند و هیچ خاصیتی ندارند بنشینند یک نمره‌ای به خودشان بدهند. نمره ما چند است؟ کربلا زیارتش یک چیز تازه‌ای نیست. کربلا دانشگاه است.

۶- کربلا، درس عشق و جانبازی در راه خدا

یک پسر سیزده ساله به نام قاسم، پسر امام حسن مجتبی کربلا آمده کمک عمویش کند. بچه سیزده ساله تکلیفی ندارد، امام حسین فرمود: ما را می‌کشند. مرگ را چطور می‌بینی؟ گفت: از غسل شیرین‌تر! این یعنی چه؟ سیاسیون کره زمین بیایند پای این کلمه تحلیل کنند. یعنی اگر بنا باشد رژیم دست یزید باشد، آدم زیر خاک باشد بهتر از این است که روی خاک باشد. مرگ از غسل شیرین‌تر، یعنی رشد سیاسی این بچه سیزده ساله به جایی رسیده که می‌گوید: شهادت آره، ولی قبول جنایتکار نه! کربلا اینها را به آدم می‌دهد. کربلا اینطور راهپیمایی نیست. گردشگری نیست. عرب و عجم نیست. کربلا تمامش درس است. چرا به ما گفتند: با مهر کربلا نماز بخوانید؟ ما همه بشر، یعنی همه چیز برای بشر آفریده شده است. همان که شاعر می‌گوید: ابر و باد و مه و خورشید و فلک... این شعر ریشه‌اش قرآن است. می‌گوید: «خَلَقَ لَكُمْ»، «سَخَّرَ لَكُمْ»، «مَتَاعاً لَكُمْ»، «لَكُمْ لَكُمْ» در قرآن زیاد است. هستی برای بشر است، بشر برای چیست؟ بشر برای عبادت است. قرآن می‌گوید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶) عبادت چیست؟ هرکار خدا عبادت است. صنعت عبادت است. نجاری عبادت است. همسرداری عبادت است. تحصیل، تعلیم و تربیت عبادت است. نماز هم عبادت است. در عبادت‌ها قله‌ی عبادت نماز است. در نماز بهترین جای نماز سجده است. وقتی می‌خواهی سجده کنی می‌گویی: پیشانی را روی خاک کربلا بگذار. مهر کربلا... این یعنی چه؟ یعنی باید مسأله کربلا در همه خانه‌ها و نمازها و در همه سجده‌ها باشد. هیچ کار ما ۳۴ تا نیست. حمد دو بار خوانده می‌شود. «قل هو الله» دو بار خوانده می‌شود. «سبحان الله والحمد لله» چند بار خوانده می‌شود. تنها جایی که ۳۴ بار تکرار می‌شود سجده است. هفده رکعت نماز می‌خوانیم. هر رکعتی دو سجده دارد. دو تا هفده تا ۳۴ بار، کجا؟ نه آرنج، آرنج نه، زانو نه، فقط بلندترین نقطه بدن که پیشانی است، روی خاک کربلا تماس بگیرد. این یعنی چه؟ یعنی کربلا... لذا هیچکس کربلا را نگاه به جغرافی نمی‌کند. نمی‌گویند: کربلا شمال شرقی‌اش به کجا می‌خورد. جنوب غربی‌اش، هیچ احدی، تا حالا ندیدم که وقتی می‌گویند: کربلا، یاد این بیافتد که مساحت کربلا چقدر است؟ از شمال به کجا می‌خورد و از جنوب به کجا می‌خورد؟ کربلا تاریخ است ولو جغرافی است، کربلا شهر است، جغرافی است. اما هیچکس این جغرافی را جغرافی نمی‌بیند. این جغرافی را تاریخ می‌بیند.

وقتی می‌گویند: خمینی، کسی یاد خمین نمی‌افتد که خمین کجاست؟ استان مرکزی است، جمعیتش چقدر است. اینها برای باقی شهرهاست. وقتی می‌گویند: خمینی، حرکت امام خمینی در ذهنشان می‌آید. نه شهر و خانه و چیز... کربلا جغرافی است اما جغرافی است که کار تاریخ می‌کند.

۷- کربلا، درس مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان

قرآن یک آیه دارد می‌گوید: «وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ» (بقره/۱۷۷) آیه قرآن است. افرادی مقاومت کردند، در سخت‌ترین شرایط مقاومت کردند. این مصداقش چیست؟ کربلا یعنی برو این جاها را ببین، این آدم‌ها را بشناس. بچه‌های ما اگر کربلایی تربیت شوند، برنده هستیم. مقاومت، مقاومتی که درست شده، نسخه‌اش را کربلا پیچید. یعنی زیر سم

اسب می‌روم و زیر بار زور نمی‌روم. این پیام کربلاست. همین آمریکا را فلج کرده است. دنیا هم خواسته باشد نجات پیدا کند باید یک عده این رقمی جلو بیایند. چون اینها آخرین زورشان اسلحه است. وقتی کسی از اسلحه باکی ندارد، با نسخه‌ای که امام حسین پیچید، نسخه‌ی امام حسین نسخه‌ی ابدی است. لذا امام حسین فرمود: از من الگو بگیرید.

یک آیه در قرآن داریم می‌فرماید: «وَلَنُصَبِّرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا» (ابراهیم/۱۲) انبیاء می‌گفتند: هرچه شما شکنجه کنید، ما صبر می‌کنیم. ما روی اذیت شما صبر می‌کنیم. نمونه‌اش، باز کربلا. در قرآن آیه در مورد نماز زیاد است. «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهَوْا» (بقره/۳) «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» این آیات قرآن است. کجا نمونه‌هایش را می‌بینید؟ ظهر عاشورا، امام حسین سی تا تیر خورد دست از نماز نکشید. مگر دو رکعت نماز چند کلمه دارد؟ سی تا تیر، ولی دست از نماز نکشید. این پیام دارد و مکتب است. من غصه می‌خورم، بعضی‌ها در مورد کربلا بالغ نشدند، البته الحمدلله اکثر مردم بالغ شدند، تک و تایی ژست‌های روشنفکرهای بی‌خودی را می‌گیرند. بعضی روشنفکرها منطق هم دارند. همه چیز را با دید مادی نگاه می‌کنند. شما وقتی کنار عروس نشست، سر عروس گل می‌ریزی یا سکه می‌ریزی، کسی می‌گوید: آقا این سکه‌ها حیف است، این گلها پر پر می‌شود، بابا عروس است.

منتهی خوب یک کسی بالغ شده و یک کسی بالغ نشده است. شما به بچه سه ساله بگوی: آدامس می‌خواهی یا عروس، می‌گوید: آدامس. این بالغ نشده است. دین هم بلوغ می‌خواهد. بعضی بالغ نشدند. فوتبال بلوغ می‌خواهد. یک کسی به قدری عاشق است که حاضر است تمام عمرش را تمرین کند که فوتبالیست مشهور شود. افرادی می‌گویند: که چه... یک توپ بود و این همه جوان عقبش می‌دوید. این بالغ نشده است. عبادت بلوغ می‌خواهد و بعضی از عبادت لذت می‌برند. بعضی‌ها عبادت برایشان سنگین است. قرآن می‌فرماید: «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره/۴۵) بعضی‌ها نماز برایشان سنگین است. چهار ساعت نشسته با غیر خدا حرف می‌زند. ولی تا می‌گوییم: نماز، سنگین می‌شود. چرا وقتی با مردم حرف می‌زنم حواسم جمع است، برای خودم می‌گویم... وقتی با مردم حرف می‌زنم حواسم جمع است. تا می‌گویم: الله اکبر، حواسم پرت می‌شود؟ این بیماری نیست که با خلق حواسم جمع است، با خالق یا میل نداری یا اگر با میل خواندی، در حال کسالت و بی‌حالی نماز می‌خوانی. یک مقداری بنشینیم ببینیم سرمایه‌مان را کجا دادیم؟ خیلی هم دراز مدت فکر نکنیم. در قرآن چهارده مرتبه «بَعَثَ» گفته است. یعنی ناگهانی، آدم نمی‌داند سال دیگر هست یا نیست. رابطه ما با خدا، رابطه با فقرا، رابطه با انقلاب، رابطه ما با خون شهداء، رابطه ما با نسل نو، رابطه ما با خودمان، ما بیش از این نمی‌توانستیم با سواد شویم؟ رابطه ما با تولید از این بهتر نمی‌شد تولید کرد؟ رابطه ما با همسر، همسر داری ما خوب است. تربیت بچه ما خوب است. این بچه امانت است. به این امانت خیانت نکردیم. ما گاهی وقت‌ها تجاوز را، بله تجاوز به حریم هوایی، هواپیما آمد دیوار صوتی شکست و شیشه‌ها ریخت. این تجاوز به حریم هوایی است. من که در اتاق سیگار می‌کشم، دودش در حلق زن و بچه‌ی من می‌رود، این تجاوز به حریم هوایی نیست؟ زن و بچه‌ی من می‌خواهد هوای سالم بخورد. اگروز این ماشین دود می‌کند. این تجاوز به حریم هوایی مردم نیست؟ یک خرده کلیاتی که در ذهن ماست، دانه دانه ریز شویم. کربلا نمایشگاه تمام کمالاتی است که در قرآن هست. کربلا عبرت‌دهنده است. نگاه ما به کربلا، نگاه ما به کتابخانه باشد. به درس استاد باشد، استادی که کلاسش هم امام حسین است.

خدمات کربلا را مقایسه کنیم با خدماتی که ما انجام می‌دهیم، سی چهل فرق دارد. من وقت کنم چند موردش را برای شما
خواهم گفت، انشاءالله.

خدایا ما را نسبت به دین و معارف دین و علم و خدمت و زیارت و معرفت، ما را نسبت به این امور بالغ قرار بده. نکند نگاه ما
نگاه سطحی باشد. همینطور آمدند و رفتند.... قرآن و اهل بیت را برای ما درس قرار بده.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»

۱- کدام عبادت، مظهر وحدت همه اقشار جامعه است؟

- (۱) نماز
- (۲) روزه
- (۳) زکات

۲- عبارت قرآنی «بعضکم من بعض» به چه امری اشاره دارد؟

- (۱) دوری از تبعیض
- (۲) همدلی مسلمانان
- (۳) صله‌ی رحم

۳- کدام یک از زیبایی‌های پیاه‌روی اربعین، با آیه ۹ سوره‌ی حشر مطابقت دارد؟

- (۱) پذیرایی از زائران در خانه‌ها و خیمه‌ها
- (۲) بخشش به دیگران، با وجود نیاز خود
- (۳) هر دو مورد

۴- قرآن در آیه ۵۱ سوره غافر، چه وعده‌ای به مؤمنان می‌دهد؟

- (۱) هدایت و راهنمایی
- (۲) شفاعت و آمرزش
- (۳) نصرت و پیروزی

۵- آیه ۱۷۷ سوره بقره به چه امری اشاره دارد؟

- (۱) صبر و پایداری در سختی‌ها
- (۲) رفاه و راحت، در زندگی
- (۳) هجرت از خانه و زندگی

سؤال ۵	سؤال ۴	سؤال ۳	سؤال ۲	سؤال ۱
۱	۳	۳	۲	۱